



بررسی نظریه پوپر پیرامون انقلاب و تأثیر آن بر اصلاح‌طلبان

## عقاید یک ضدانقلاب!

اعتقاد دارد: «ما دو پوپر داریم: یک پوپر فیلسوف علم و یک پوپر فیلسوف اجتماعی. شان پوپر فیلسوف علم در فلسفه مشخص است و او از این منظر جایگاه‌بلندی دارد و در تاریخ فلسفه نام او ماندگار خواهد بود. او ترکیبی بود از هیوم و کانت و البته با دانش تجربی بسی بیشتر اما فلسفه اجتماعی او هم بدون شک از اهمیت بسیاری برخوردار بود. کتاب «جامعه‌باز» که بعد از جنگ جهانی دوم منتشر شد مورد تمجید فیلسوفانی همچون گیلبرت رایل و برتراند راسل قرار گرفته است. راسل درباره این کتاب نوشته است که «هر سطر این کتاب به ما چیزی می‌آموزد» این کتاب بسیار زود مورد استقبال جامعه انگلیس قرار گرفت.»

سروش ضمن تمجید از ایده «جامعه‌باز» می‌نویسد: «این کتاب اگر مطرح شد به خاطر آن بود که حکایتگر یک درد بود. مسئله پوپر در این کتاب این بود که چگونه ایدئولوژی‌هایی که وعده محقق کردن بهشت روی زمین را می‌دهند، به تحقق جهنم روی زمین می‌انجامند و بسا استدلال‌های تاریخی و سیاسی چگونگی این امر را توضیح داده بود. همین‌جاست که او می‌گوید در سیاست و در طبابت هر کس وعده زیاد بدهد، شاراتان است.»

**پوپر و نظریه انقلاب**  
همانطور که سروش بیان کرده بود، پوپر را با دو عینک



پوپر تحقق آرمانشهر را غیرممکن می‌داند و معتقد است تنها کاری که می‌توان در حکومت دچار مشکلات و فساد انجام داد، رسیدگی به وضعیت کنونی و ایجاد تغییراتی آرام است. یک گروه کردن انقلابی اگر بخواهد برای مردم هدف‌هایی را تعریف کند و بکوشد اینها را محقق سازد، دچار عارضه آرمانگرایی می‌شود و حسن سعادت‌طلبی پدر سالار و استبدادی سوق خواهد داد

**تحلیل محسن مطلق**  
قرن بیستم را به درستی قرن انقلاب‌ها نامیدند، چراکه تحولات اجتماعی بنیادین زیادی در اقصی نقاط عالم اتفاق افتاد که مهم‌ترین دلایل تحقق این رخدادها را می‌توان پررنگ شدن عقاید ضداستعماری و روحیات ناسیونالیستی، عملیاتی شدن ایدئولوژی انقلابی مارکسیسم در بسیاری از کشورهای شرق و غرب عالم و نیز نهضت‌های اسلامی و تجدیدحیات‌طلبی و فلسفی شکل گرفته که تمایلی به انقلاب‌گرایی بنیادین و تحول در ساختارهای سیاسی و اجتماعی در یک سده گذشته به اوج رسیده اما در اواخر همین سده و تفکر مقابلی در فضای روشنفکری و فلسفی شکل گرفته که تمایلی به انقلاب‌گرایی ندارد بلکه آن را برای جوامع مضر می‌شمرد. یکی از فلاسفه‌ای که کوشید در مکتوبات و اعلانات خود، این مسئله یعنی ضدیت با انقلاب را نهادینه سازد، کارل پوپر فیلسوف اتریشی-انگلیسی است. تفکرات سیاسی وی پیرامون مباحثی چون انقلاب، جامعه‌باز و... توسط بسیاری از حامیان در کشورهای غیرغربی از جمله ایران نیز مورد استقبال قرار گرفت. یادداشت پیش رو ضمن بررسی عقاید پوپر رفتار انقلابی و اصلاح‌گرانه درصدد است نشان دهد به کارگیری عبارت ضدانقلاب برای اصلاح‌طلبان ناب لاقال از بعد اندیشه فلسفه نه تنها یک برچسب نیست بلکه برخاسته از متن و بطن اعتقادات ایشان است.

**نسبت اصلاح‌طلبان با پوپر**  
محافل روشنفکری در جریان‌های داخلی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً از دهه ۶۰ به بعد، با ترجمه، شرح و تدریس آثار فیلسوفان غربی خصوصاً هایدگر به تقابلی فکری و شناختی و زوایای فکری رسیدند که در سال‌های بعد روشنفکران حامی هر یک از این فلاسفه راه به یک جناح فکری متمایز سوق داد. ترجمه و انتشار کتاب «جامعه‌باز» و دشمنان آن اثر کارل پوپر در سال ۱۳۶۴ بحث مهم دیگری را در محافل فکری ایران در دوران پس از انقلاب برانگیخت. بحث تنها درباره خود پوپر نبود بلکه اصول شناخت‌شناسانه و گرایش‌های سیاسی را نیز در بر می‌گرفت. رضا داوری این نشأت برای انتشار کتاب پوپر را به عنوان تلاشی از سوی مترجمان و ناشران برای ترویج دموکراسی غربی و یک جنبش عقل‌پورانه در فلسفه مورد حمله قرار داد. در مورد اتهام نخست، اظهار عقیده کرد که ترویج رؤیای پوپر در مورد یک جامعه‌باز مبتنی بر این اصل که بدون آزادی نه عدالت می‌تواند وجود داشته باشد و نه امنیت، در واقع شیوه‌ای زیرکانه برای مخالفت با انقلاب است زیرا پیامدهای سیاسی اندیشه‌های پوپر به روشنی در هواداری از سرمایه‌داری و لیبرالیسم سیاسی غرب است. داوری به گونه‌ای جدلی می‌نویسد: «تعجب می‌کنم که چگونه پوپر در یک کشور اسلامی طعیر دین می‌شود و هیچکس تعجب و اعتراض نمی‌کند و فریاد بر نمی‌آورد که چگونه یک ملحد حامی اسلام شده است؟»

حمایت جریان خاص سیاسی از تفکر پوپر تا جایی ادامه دارد که عبدالکریم سروش، از تنوع‌سین‌های جریان اپوزیسیون، مدعی شده است که سید محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات، مطالعه کتاب‌های پوپر را به همکاری توصیه کرده است. سروش خودش یک پوپری به تمام معناست که از زمان آشنایی با ایده‌های پوپر در جوانی تا کنون به تفسیر و تشریح عقاید وی پرداخته است. سروش

می‌توان مورد بررسی قرار داد. نگاه اول فلسفی است که نظریه ابطال‌گرایی وی در این زمینه واجد اهمیت است و نظریه‌ای در خصوص شناخت است که در واقع نقدی بر روش شناخت پوزیتیویستی و ارائه مدلی جدید برای تأیید و رد نظریات علمی است. اما آنچه اینجا مدنظر است، فلسفه اجتماعی و دیدگاه‌های پوپر در این زمینه است. مهم‌ترین دیدگاه‌های او در این خصوص را باید در کتاب معروف «جامعه‌باز» جست‌وجو کرد.

با توجه به اینکه بسیاری از سیاستمداران حاکم یا نقش‌آفرین در دولت‌های برآمده از انقلاب بنا به دلایل متعدد نسبت به عقاید انقلابی خود تجدید نظر نموده و درصد تثبیت وضع موجود یا میل به تغییرات بطئی به جای تحول خواهی آرمانگرایانه برآمدند، عقاید پوپر به دلیل سبب‌های برای تأیید نظریه زبان تبدیل شد.

با وجود اینکه پوپر رساله‌ای کاتبی به صورت ویژه در خصوص موضوع انقلاب ندارد اما نظریات پیرامون هدایتگر بسیاری از سیاستمداران کشورها بوده است و نیز بر اندیشه سیاسی بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان علوم سیاسی اثربخشی کرده است. مهم‌ترین نظرات وی را می‌توان در پیش‌بینی‌هایی که در خصوص ناکارآمدی و شکست حکومت‌های فاشیستی ارائه نموده است، دنبال کرد.

به اعتقاد پوپر، انقلاب تنها در دو حالت و دو گونه جامعه امکان رخ دادن دارد. حالت اول جامعه سنتی است که به دلیل سنت شدن سنت‌های حاکم بر آن، حکومت مورد اعتراض مردم قرار می‌گیرد و رفتار انقلابی و تحولات بنیادین به تبع آن صورت می‌پذیرد. حالت دوم اما جوامع باز هستند که در آنها به دلیل رواج آزادزی و انبساط‌پذیری که مردم دارند، ممکن است احساس مسئولیت‌پذیری که بیش از هر چیز در این جوامع مورد نیاز است تبدیل به نوعی مسئولیت‌گریزی رفتارهای آرمانگرایانه داخل حکومت منجر به افزایش اثرگذاری گروه‌های آرمانگرا و انقلابی قرار گیرد و بتوانند با تحقق انقلاب حاکم بر کشور شوند.

پوپر تحقق آرمانشهر را غیرممکن می‌داند و معتقد است تنها کاری که می‌توان در حکومت دچار مشکلات و فساد انجام داد، رسیدگی به وضعیت کنونی و ایجاد تغییراتی آرام است. یک گروه کردن انقلابی اگر بخواهد برای مردم هدف‌هایی را تعریف کند و بکوشد اینها را محقق سازد، دچار عارضه آرمانگرایی (به تعبیر مشخص کردن پوپر) می‌شود و حسن سعادت‌طلبی آن را به سمت تشکیل حکومتی پدرسالار و استبدادی سوق خواهد داد. لذا پوپر مشخص کردن مشکلات و مسائل اجتماعی و تلاش برای حل کردن آنها را مفیدتر از تعیین اهداف والا برای یک حکومت می‌داند و بر سر همین موضوع باصل ایده کمونیسم به نزاع برمی‌خیزد. در کتاب «جامعه‌باز و دشمنانش»، از بین هم سیاسی، آرمان سعادتمند کردن مردم را یکی از خطرناک‌ترین اهداف برای یک حکومت می‌داند.

او اساساً اعتقاد دارد چنین هدفی به صورت اصولی امکان‌پذیر هم نیست چرا که سنجش و تشخیص خوشی و لذت اعضای یک جامعه اولاً ممکن نیست و ثانیاً گاهی متضاد نیز می‌باشند. به اعتقاد او بر خلاف این آرمانگرایی، مشخص کردن مسائل و مشکلات اجتماعی و توافق بر سر آنها بسیار ساده‌تر است، زیرا مشکلات پدیده‌هایی هستند که انسان‌ها آن را لمس کرده و اکثراً بر سر آن هم تفاهم دارند.

پوپر می‌گوید: انقلابیون به تغییرات جزئی رضای

**د**د

به اعتقاد پوپر، انقلاب تنها در دو حالت و دو گونه جامعه امکان رخ دادن دارد. حالت اول جامعه سنتی است که به دلیل سبب شدن سنت‌های حاکم بر آن، حکومت مورد اعتراض مردم قرار می‌گیرد. حالت دوم اما جوامع باز هستند که در آنها به دلیل رواج آزادی ممکن است احساس مسئولیت‌پذیری که بیش از هر چیز در این جوامع مورد نیاز است تبدیل به نوعی مسئولیت‌گریزی و واپس‌گرایی گردد

می‌شوند و چون خواستار دگرگونی همه ساختارهای جامعه هستند لذا با ویران کردن وضع فعلی راه را بر حرکت‌های گام به گام و تدریجی می‌بندند. آنان به دلیل اینکه به کلیات می‌پردازند و مسائل جزئی را به دیده حقارت می‌نگرند، نمی‌توانند به امور واقعی و ملموس نزدیک شوند.

نمی‌شوند و چون خواستار دگرگونی همه ساختارهای جامعه هستند لذا با ویران کردن وضع فعلی راه را بر حرکت‌های گام به گام و تدریجی می‌بندند. آنان به دلیل اینکه به کلیات می‌پردازند و مسائل جزئی را به دیده حقارت می‌نگرند، نمی‌توانند به امور واقعی و ملموس نزدیک شوند.

به طور خلاصه می‌توان در خصوص نگاه پوپر به انقلاب سه محور اصلی را استخراج نمود: نخست آنکه در حوادث انقلابی، اقدامات گسترده و فراگیر بلافاصله صورت می‌گیرد و لذا نمی‌توان به آسانی دریافت که نتایج کدام اقدام مؤثر واقع شده است.

دوم اینکه چون برنامه‌ریزی پس از انقلاب به صورت آرمانی صورت می‌گیرد، اغلب منجر به ناپدیدانگاشتن هدف اصلی می‌شود.

به نظر می‌رسد.

سومین نشست اندیشه‌ورزی مباحثات با موضوع «فرهنگستان علوم اسلامی پس از ۳۵ سال کدام دستاورد؟ کدام مقدرات؟» امروز با حضور فعالان این مرکز و اساتید حوزه و مراکز علمی در قم برگزار شد.

در این نشست، حجت‌الاسلام علیرضا پیروزمند، عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی به ارائه بحث پرداخت و گفت: مسئله علوم انسانی و اسلامی از مباحثی است که با انقلاب اسلامی مطرح و شکوفا شد. وی افزود: در واقع اگر فصل‌های تاریخ انقلاب فرهنگی را ملاحظه کنیم به روشنی درمی‌یابیم که در اوایل انقلاب در حوزه علوم انسانی یک حرف‌هایی زده و ایده‌هایی مطرح شد.

وی گفت: عمده این ایده‌ها چیزی به عنوان علوم انسانی و اسلامی نبود و حتی در عرصه تلقی‌های خاصی که از وحدت حوزه، دانشگاه و... مطرح می‌شد نیز این مباحث مشاهده می‌شود؛ نکته جالب‌تر آنکه برخی از اساتید که امروز میداندار علوم انسانی اسلامی هستند در اوایل انقلاب منکر این بحث می‌شدند و می‌گفتند که علوم انسانی غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

### درنگ



علیرضا پیروزمند:

### انقلاب اسلامی نظریه‌پردازان در حوزه علوم انسانی را شکوفا کرد

اسلامی کنیم. عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی بیان کرد: آنها بیان می‌کردند که در علوم غیرانسانی که به‌طور کل این بحث منتفی است، ولی در علوم انسانی نیز چنین بحثی درست نیست، فقط چند گزاره‌ای را که با اسلام در تضاد است، باید اصلاح کرد. وی گفت: امروزه در میان جریان‌های دینی و انقلابی این بحث به رسمیت شناخته شده و مباحث در این خصوص به شدت در حال پیگیری است. در واقع امروز این مسئله بحث می‌شود که چگونه می‌توان کار کرد. در اوایل دهه ۶۰ می‌گفتند که روش تحقیق باید اسلامی شود.

این استاد حوزه بیان کرد: امروزه و در یک دهه اخیر این بحث به حدی مهم است که فصلنامه فلسفه علوم انسانی اسلامی منتشر می‌شود، ولی قطعاً این بحث در ابتدای انقلاب وجود نداشت.

وی در ادامه به چگونگی تأسیس فرهنگستان

و نقش حجت‌الاسلام سیدمنیر حسینی در موضوع شناسی علوم انسانی اسلامی و... سیر فعالیت‌های این مرکز علمی در سال‌های اخیر پرداخت.

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

غیراسلامی وجود ندارد که بخواهیم آن را

### «گفت‌وگوهای درباره»

#### دین طبیعی دیوید هیوم» منتشر شد

نسبت به دینی که در آن بزرگ شد، نه آنچنان خود را از باور دینی بی‌نیاز دید که به کلی از دین و ایمان روی گرداند و نه مبانی و پایه‌های باورهای دینی را چندان محکم استوار یافت که به دین و ایمان پایبند باشد. گرچه شاید چون به راستی فهم و درکی از ایمان و وحی نداشت، هیچ آنها را روشن نکرد و می‌خواست این اصطلاحات هم چنان در نظر او متعالی و مقدس بماند. چنانچه در پایان گفت‌وگوها و نیز در اغلب نوشته‌هایش، تنها چاره بشری برای راهی‌سازی از جهل را تمسک به ایمان حقیقی معرفی می‌کند. این خوانش نواز رویکرد هیوم به دین، در طول پژوهش با شناسی فلسفه‌فان بزرگ از جمله آوین پلاتینیگا، ریچارد سسونین برن و ساموئل نیولندز طرح شده و مورد تأیید قرار گرفته است.



گفت‌وگوهای درباره دین طبیعی مجموعه بحث‌ها و جدل‌هایی در خصوص عقلانیت و باور دینی است که هیوم در گفت‌وگویی میان خیالی آن را به رشته‌تحریر درآورده است. از سوی، بُب عقاید هیوم درباره دین در این کتاب گرد آمده و از نسوی دیگر، برگزیدن سبک‌گفت‌وگو برای ابراز عقاید، اهمیت این واپسین اثر هیوم را در شناخت

تفکر دینی او دوچندان ساخته است تا جایی که برخی معتقدند فلسفه هیوم را همچون فلسفه کانت، می‌توان نقطه‌شروعی دانست برای تفکرات و گرایش‌های او و علیه خداپاوری در یک قرن و نیم بعد. سه شخصیت حاضر در بحث، نماینده سه دیدگاه بسیار متفاوت در خصوص معرفت ذات خداوندند؛ «دینا» وابسته به متکلمان ارتدوکس است که عقایدی جزم‌گرایانه دارد. «کلانتنس» که یک عقلگراست و «فیلو» شک‌گرایی فلسفی است. از رهگذر گفت‌وگویی که میان این سه شخصیت به نمی‌توان حکم الحاد وی را مخرب دین دانست. او دین خرافی را به مبارزه طلبیده است. گرچه عقایدش در دوران معاصر برای دین و آموزه‌های دینی بسیار خطرناک است، اما عکس‌العمل هیوم تنها در مقابل الهیات مسیحی است، بنابراین هیوم آن گونه که تا پیش از این کتاب گفته شده، نه از روی جانبداری، کلانتنس است و نه بنا بر بی‌انصافی فیلو، اگر با دیده‌ای بینا در سراسر آثار او خود او را جوایا شویم، خواهیم یافت که گفت‌وگوها اینه تمام نمای دغدغه‌های دینی هیوم است. او همواره پس از تفرش

دینی هیوم است. او همواره پس از تفرش

### پیشخوان